

در دفاع از کمیته برای آزادی هنر و اندیشه در ایران

سازمان آمریکا آزاد شدن رضا براهنی، شرکت وی در یک مصاحبه تلویزیونی و خروج وی از ایران است! بنا به این منطق سازمان آمریکا غلامحسین سعدی و علی شریعتی نیز که هر دو پس از چندی از زندان آزاد شدند و برخی "مصاحبه ها" و مقالاتشان در روزنامه های تحت کنترل رژیم بچاپ رسیده، قاعدتاً می باید "عامل رژیم" باشند! بنا به این منطق دانشجویان ایرانی بجای دفاع از زندانیان سیاسی برای آزادی آنها از زندان می باید صرفاً به تقویت روحیه زندانیان خود را مشغول کنند و در سوگ شهدا غم بخورند. این منطق را سازمان دانشجویان ایرانی در آرلینگتن -نگزاس به "فصح ترین" نحوی در اعلامیه خود تحت عنوان "افشای یک عنصر خائن واداده - براهنی کیست و 'کیفی' چیست؟" بیان داشته اند:

"خلق ما با شناخت از فرزندان انقلابی دیند خود میدانند که رژیم مبارزان انقلابی و عناصر ضد رژیم واقعی را بهیچوجه از زندان آزاد نینماید."

عادت قدر قدرتی ساواک و شاه از این روشن تر بیانی لازم ندارد. بهرجهت، آنچه برای ما تعیین کننده است نه گذشته افراد، هرچه که بوده باشد (ویازهم تکرار می کنیم هیچگونه شاهد و مدرکی در اثبات ادعاهای سازمان آمریکا عرضه نشده)، بلکه عملکرد فعلی آنانست. در طی دو سال گذشته براهنی بکرات در جلسات عمومی در دفاع از زندانیان سیاسی صحبت کرده، از شرایط خفقان و دیکتاتور شاه سخن گفته، و درباره این مطالب در نشریات آمریکائی مقاله نوشته است. آیا سازمان آمریکا ادعا دارد که این فعالیت ها در کم به رژیم شاه است!؟

* کمیته ای است متشکل از ایرانیان و آمریکائیهائی که برای فعالیت در راه آزادی هنر و اندیشه در ایران گرد آمده اند. این کمیته دارای هیچگونه مواضع سیاسی خاصی نبوده و برنامه ای جز دفاع از آزادی هنر و اندیشه در ایران ندارد. (رجوع شود به متن اهداف کیفی در خبرنامه کیفی بزبان انگلیسی، مجلد دوم، شماره اول، مارس ۱۹۷۶، ص ۲۴). هورتنسیا آئنده، نوام چامسکی، آرلینگتون، اریک بنتلی، پل سوئیزی، عدین جبارا و بسیاری دیگر از روشنفکران و هنرمندان آمریکائی از جمله پشتیبانان این کمیته اند. فعالیت های آن در طی چند سال اخیر بر محور افشای خفقان سیاسی حاکم بر ایران در افکار عمومی آمریکا و دفاع از نویسندگان و هنرمندان زندانی متمرکز بوده است. بنیاداری از فعالیت های مشخص دفاعی آن، نظیر دفاع از غلامحسین سعدی، علی شریعتی و ویدا حاجبی، فعالیت هائی بوده اند که برخی سازمان های دانشجویی و یا سازمان های حقوق مدنی نیز درگیر آن بوده اند. برهر مبارز ضد رژیم روشن است که فعالیت های دفاعی کیفی فعالیت هائی است علیه رژیم شاه، فعالیت هائی است در دفاع از زندانیان سیاسی ایران، و بطور کلی هم جهت است با مبارزه لازم دفاعی علیه خفقان حاکم بر ایران. دقیقاً به این دلیل، کلیه گرایش های سیاسی و وظیفه دارند که از حق فعالیت کیفی، چه با جزئیات برنامه کار و دفاع های مشخص آن موافق باشند، چه نباشند، دفاع کنند. اخلال گیری در فعالیت های کیفی صرفاً به کل فعالیت های دفاعی لطمه می زند و راه را برای خرابکاری عوامل ساواک در این فعالیت ها باز می کند. بهم - زند یک جلسه کیفی، که از طریق آن چند صد آمریکائی با جزئیات خفقان سیاسی در ایران آشنا می شوند، فقط و فقط به رژیم شاه کمک می کند و لاغیر. ما از کلیه گرایش های سیاسی و سازمان های دانشجویی می خواهیم که صریحاً موضع خود را درباره ضرورت دفاع از حق فعالیت کیفی اعلام دارند. سکوت درباره چنین حملاتی من غیر مستقیم بمعنی صحه گذاشتن بر آنهاست. ■

کند و کاو، پائیز ۱۳۵۵

در عرض یکسال و نهب گذشته جناحی از سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا، که اخیراً از کنفدراسیون جهانی انشعاب کرده، مرتباً سعی در بهم زدن جلسات عمومی، کنفرانس های مطبوعاتی، و سایر فعالیت های "کمیته برای آزادی هنر و اندیشه در ایران" (کیفی) داشته است. جلسات کیفی در دفاع از زندانیان ایران در شهرهای آمریکا (برکلی، ۹ ژانویه ۱۹۷۵؛ بستن، ۲۷ فوریه ۱۹۷۵؛ آستین، ۵ فوریه ۱۹۷۶؛ سن حوزه، ۱۶ مارس ۱۹۷۶) هدف اخلال گیری اعضای سازمان آمریکا، از طریق ایجاد هیاهو، سوت زدن و روش های مشابه، قرار گرفته است. اعضای سازمان آمریکا حتی از حمله بدنی به فعالین کیفی خودداری نکرده اند. (برای شرح بیشتر این وقایع به خبرنامه کیفی، مجلد ۲، شماره ۱، مارس ۱۹۷۶، و سایر اعلامیه های کیفی در این زمینه رجوع شود.)

این اعمال سازمان آمریکا در واقع ادامه منطق سیاست اخراج دانشجویان طرفدار پیام دانشجویان و فعالین کیفی است. رهبری سازمان آمریکا که از طریق اخراج موفق به از بین بردن مخالفین سیاسی خود شده، رهبری ای که نتوانسته است از طریق ساختن فعالیت های مؤثر دفاعی برتری سیاست خود را در عمل ثابت کند و در عرض چند سال گذشته هیچ فعالیت مستمر دفاعی را دنبال نکرده است، اکنون برای پوشاندن ورشکستگی خود به تخریب فعالیت های دفاعی کیفی اقدام می کند.

غلط بودن اتخاذ روش های بورکراتیک تشکیلاتی در داخل سازمان دانشجویی بمنظور حل اختلافات سیاسی و عواقب آن برای جنبش دانشجویی قبلاً نیز خاطر نشان شده بود. ولی ادامه کاربرد این روش های بورکراتیک از درون سازمان دانشجویی تا به سطح عملیات اخلال گیری در صحنه فعالیت های دفاعی علیه رژیم شاه هشدار می است که کلیه سازمان های دانشجویان ایرانی و کلیه گرایش های سیاسی ضد رژیم شاه را در برابر وظیفه دفاع از حق فعالیت سازندگان کیفی قرار می دهد. تاکنون هیچ یک از جناح های دیگر سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا یک قدم عملی یا حتی لفظی در راه چنین دفاعی برداشته اند. صرفنظر از هرگونه اختلاف سیاسی که این گرایش ها در دوره قبلی در بحث های مطروحه با طرفداران پیام دانشجویان داشتند، و صرفنظر از هرگونه اختلافی که ممکن است با برنامه کار کیفی داشته باشند، دفاع از فعالین کیفی و حق فعالیت آنها در دفاع از زندانیان سیاسی ایران وظیفه ابتدائی هر مبارز ضد رژیم است. * یکی از اتهامات مکرر رهبری سازمان آمریکا علیه کیفی، که از آن برای توجیه اخلال گیری های خود استفاده کرده است، "مأمور رژیم بودن رضا براهنی است. این اتهام را اعضای سازمان آمریکا چه شفاهاً و چه در نامه های خود به روزنامه های دانشگاهی مکرراً تکرار کرده اند. حتی در سرمقاله رژیم، نشریه دفاعی سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا، نیز چنین آورده اند، "و آن دیگری، رضا براهنی، راهی خارج میشود تا بکمک سازمان 'سیا' و مشتقی غاصب تر از خودش کمیته ای در مقابل جنبش دانشجویی ما علم کنند و به عادت قدر قدرتی ساواک و شاه بپردازند و توده دانشجویان را به بیرون رفتن از جنبش و سازش با ارتجاع ترغیب نمایند." (شماره ۲، سال سوم، مهرماه ۱۳۵۴، ص ۱۲) سازمان آمریکا تاکنون یک مدرک و یک شاهد برای اثبات این ادعای خود ارائه نداده است. در جلسات عمومی کیفی مکرراً از اعضای سازمان آمریکا دعوت شده تا مدارک و شواهد خود را به عموم عرضه دارند. سازمان آمریکا، اگر ذره ای حقیقت در این اتهامش نهفته باشد، وظیفه دارد که این مدارک و شواهد را ارائه دهد. کیفی تا بحال چندین بار به سازمان آمریکا پیشنهاد تشکیل کمیسیونی برای رسیدگی به صحت یا سقم این اتهامات را داده، ولی سازمان آمریکا کوچکترین پاسخی نداده است. تنها و تنها "مدرک"